

فرماندهی معظم کل قوا: «به آینده نگاه کنید. آینده، آینده مهمی است؛ آینده خطیری است. یک کشور اگر بخواید عزت خود را، هویت خود را، منافع خود را، امنیت خود را به دست بیاورد، احتیاج دارد به ابتکار، به کار». (۱۳۹۰/۱۱/۱۹)

تحلیل سیاست خارجی ستیزه‌جویانه عربستان سعودی در برابر ج.ا.ایران در چارچوب نظریه سازهانگاری^۱

حسین مهدیان^۲، علی علی حسینی^۳، علیرضا آقا حسینی^۴

تاریخ پذیرش: ۹۵/۹/۱۸

تاریخ دریافت: ۹۵/۳/۲۴

چکیده

پژوهش حاضر تلاش نموده سیاست خارجی نسل جدید حاکمان عربستان سعودی در قبال ج.ا.ایران را در چارچوب نظریه سازهانگاری بررسی و تحلیل نماید. به این منظور پس از بیان مفاهیم نظری، یافته‌های تحقیق در حوزه مسائل و چالش‌های داخلی و خارجی عربستان سعودی و تأثیر این مسائل و چالش‌ها بر مقبولیت و بحران مشروعیت نظام سیاسی آل سعود و جایگاه این کشور در برابر ایران در منطقه و جهان و همچنین سیاست خارجی برگرفته از این وضعیت، مورد واکاوی قرار گرفته است. از دیدگاه این پژوهش (که فرضیات آن به صورت میلانی و با استفاده از روش آماری از تعداد ۴۵ نفر از استادان دانشگاه و پژوهشگران مرتبط با موضوع مورد ارزیابی قرار گرفته) یافته‌های آن نشان می‌دهد که اتخاذ سیاست خارجی تنحصری عربستان سعودی در برابر ج.ا.ایران در حوزه مسائل منطقه‌ای، بازار نفت و همچنین برنامه هسته‌ای ایران، نوعی سیاست هویت در راستای ایجاد فضای بین‌الذمه‌ای در داخل و خارج این کشور برای ساختن هویت مورد نیاز برای مشروعیت سیاسی در داخل و شناسایی جایگاه این کشور در خارج (رهبری جهان عرب و قدرت‌آرگان منطقه) می‌باشد.

واژگان کلیدی: ج.ا.ایران، سازهانگاری، سیاست خارجی، عربستان، هویت‌سازی

۱. این مقاله برگرفته و مستخرج از رساله دکتری در گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان است.

Hmahdian58@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه اصفهان

A.alihosseini@ase.ui.ac.ir

۳. استادیار علوم سیاسی دانشگاه اصفهان،

A.aghahosseini@ase.ui.ac.ir

۴. دانشیار علوم سیاسی دانشگاه اصفهان

۱. کلیات

۱-۱. بیان مسئله

ج.ا.ایران و عربستان سعودی با توجه به ظرفیت‌ها و ویژگی‌های خود، دو کشور مهم و تعیین‌کننده در منطقه جنوب غرب آسیا محسوب می‌شوند، اما ژنوم ژئوپلیتیک دو کشور در منطقه، در حوزه‌های ژئواستراتژیک (در مناطق خلیج فارس، هلال خصیب و خلیج عدن)، ژئواکونومیک (بازار انرژی و سازمان اوپک) و ژئوکالچری (شیعه - سنی و ایرانی - عربی)، زمینه‌های رقابتی گسترده میان آنها را فراهم آورده است. این زمینه رقابت در کنار شماری از عوامل مادی و معنوی، سبب بروز تنش و تیرگی در روابط تهران - ریاض گردیده است.

پیش از انقلاب اسلامی ایران، روابط ایران و عربستان کم تنش و به‌نوعی مسالمت‌آمیز بود. این امر ناشی از دو عامل بود: نخست، این روابط در مقابل منافع آمریکا قرار نداشت، بلکه آمریکا از این روابط پشتیبانی می‌کرد و در چارچوب رهنامه (دکترین) دو ستونی نیکسون^۱ قرار داشت. دوم اینکه ایران با هویت و جایگاه معنوی عربستان تعارضی نداشت و در مقابل، عربستان نیز (با وجود خواستش به دلیل برتری نظامی ایران) با هویت و جایگاه نظامی - راهبردی ایران کنار می‌آمد؛ از این رو، سیاست نیکسون بر دو پایه استوار شد که پایه مهم و قوی‌تر آن ایران بود و پایه ضعیف‌تر و کوچک‌ترش را به عربستان دادند.

در آن برهه، اگرچه ایران و عربستان سعودی هر دو از کشورهای شاهنشاهی طرفدار آمریکا بودند و رابطه نسبتاً خوبی با هم داشتند، اما عربستان چندان راضی نبود که نقش درجه دومی را در مقابل ایران در خلیج فارس داشته باشد، ولی چاره‌ای نداشت؛ چرا که ایران کشوری بسیار بزرگ‌تر و از نظر قدرت نظامی، قوی‌تر از عربستان بود، اما با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، نظامی با ماهیت جدید و متفاوت

1. Richard Nixon

شکل گرفت. ج.ا.ایران ادعای ام‌القرای جهان اسلام را داشته و دارد و این رویکرد به شکل مستقیم در برابر جایگاه هویتی عربستان و یکه‌تازی هویتی آن قرار گرفت؛ بنابراین با بروز انقلاب اسلامی در ایران و شکل‌گیری اسلام سیاسی شیعی، دو عامل داخلی و خارجی سبب شد تا روابط ایران و عربستان بیش از هر دوره دیگری تنش‌زا شود. این دو عامل عبارت بودند از: «حکومت سیاسی شیعه در ایران و «از دست رفتن حوزه نفوذ آمریکا در ایران و در نتیجه مخالفت این کشور با جایگاه نظامی و راهبردی ایران و همزمان روی آوردن این کشور به عربستان» (Ackerman, 2013: 3).

عربستان (که در نگاه راهبردی خود به ایران به عنوان رقیب منطقه‌ای نگاه می‌کرد) هم هویت و نفوذ مذهبی خود را با شکل‌گیری اسلام سیاسی شیعی در خطر دید و هم اینکه با تضاد و اختلاف پیش آمده بین ایران و آمریکا، زمینه همسویی خود با آمریکا و در نتیجه، افزایش نقش نظامی - راهبردی خود در برابر ایران را فراهم دید.

دو سال پس از پیروزی انقلاب، سوءظن عربستان و اعراب حوزه خلیج فارس نسبت به آنچه که آن را «انقلاب شیعی و صدور ایدئولوژی» می‌دانستند، باعث شد کشورهای یادشده با تشکیل شورای همکاری خلیج فارس عملاً در جهت مقابله و رفع نگرانی از بابت حضور یک ایران جدید در منطقه گام بردارند. این تقابل را می‌توان در موضع‌گیری‌ها و کمک‌های مالی برخی از کشورهای عربی خلیج فارس به‌ویژه عربستان سعودی در جنگ هشت ساله عراق علیه ایران برای مقابله با انقلاب اسلامی به رژیم صدام جست‌وجو نمود. (متقی، ۱۳۹۴: ۱۴۲)

پس از پایان یافتن جنگ و در دوران سازندگی، ثبات و آرامش نسبی در رابطه ایران و عربستان حکمفرما بود. در دوره پس از جنگ، برداشت ایران و سعودی از یکدیگر به‌عنوان دشمن تا اندازه‌ای تغییر یافت و به‌واسطه تحولات داخلی و منطقه‌ای و متأثر از طرز تلقی و نگرش نخبگان حاکم و غلبه عملگرایی بر ایدئولوژی‌گرایی در سیاست خارجی و کاسته شدن از فشارهای ساختاری نظام بین‌الملل، عوامل واگرایانه مؤثر بر

مناسبات دو کشور تا اندازه‌ای کاهش یافت (ساعی و علیخانی، ۱۳۹۲: ۱۱۷)، اما از زمان حمله آمریکا به عراق در مارس ۲۰۰۳ و افزایش نفوذ ایران در عراق، دشمنی بین عربستان و ایران عمیق‌تر گردید. در لبنان نیز جنگ موفق حزب‌الله علیه رژیم صهیونیستی در سال ۲۰۰۶ و در نتیجه تشدید نفوذ حزب‌الله در برابر نخبگان سیاسی طرفدار عربستان، بازتابی منفی در روابط ایران و عربستان برجای گذاشت. (Aneja, 2014: 94)

وقوع خیزش‌های عربی در سال‌های اخیر بر دامنه ستیزه‌جویی عربستان با ایران افزود و تلاش عربستان در جهت ضربه زدن به «محور مقاومت» با تکیه بر هدایت و کشاندن خیزش‌های عربی به سوریه افزایش یافت. تحرکات عربستان در تجهیز و حمایت از گروه‌های معارض در سوریه منجر به وضعیتی شد که افزون بر سوریه، دامنه آن، عراق و تا اندازه‌ای لبنان را در بر گرفت.

تغییر رهبری در عربستان از ابتدای سال ۲۰۱۵م و قدرت گرفتن ملک سلمان و پسرش محمدبن سلمان، تأثیر زیادی در درک و فهم حاکمان سعودی از تحولات داخلی و پیرامونی این کشور داشت و نوع درک آنها از خود و دیگران در داخل و خارج، باعث شکل‌گیری رهیافتی ستیزه‌جویانه‌تر و فعال‌تر در مقایسه با پادشاه پیشین عربستان در مسائل داخلی و منطقه‌ای به‌ویژه در برابر ایران شده است. (پیلار، ۱۳۹۴: ۲۸)

رویکرد سیاست خارجی عربستان سعودی در برابر ج.ا.ایران، به‌ویژه پس از سال ۲۰۱۵ میلادی تا جایی پیش رفت که برخی از صاحب‌نظران احتمال وقوع رویارویی مستقیم میان دو کشور را دور از ذهن نمی‌دانستند، بنابراین با توجه به اینکه زمینه‌های ژئوپلیتیکی اختلاف‌برانگیز و تعمیق وضعیت هرج‌ومرج‌گونه منطقه، هم‌زمان با تغییر رویکرد مجموعه حاکمیت سعودی در برابر ج.ا.ایران، ظرفیت بالایی برای بحرانی شدن به‌وجود آورده، تحلیل علمی و واقع‌بینانه زمینه‌ها و دلایل در پیش گرفتن این سیاست از سوی عربستان سعودی، موضوع این تحقیق بوده و بررسی آنها ضروری است.

۱-۲. اهمیت و ضرورت موضوع تحقیق

عربستان به عنوان یکی از بازیگران اصلی منطقه غرب آسیا، نقشی برجسته را در عرصه قدرت سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و حتی امنیتی نیز به خود اختصاص داده و به این دلیل جایگاه مهمی در سیاست خارجی ج.ا.ایران دارد، از این رو، اتخاذ سیاست خارجی ستیزه‌جویانه این کشور در برابر ج.ا.ایران از مسائل و مباحث سیاسی - امنیتی مهم مربوط به ج.ا.ایران و منطقه و جهان می‌باشد و در پیش گرفتن چنین رویکرد عربستان سعودی در برابر سیاست و منافع منطقه‌ای ایران، به دلیل وجود زمینه‌های متعارض ژئوپلیتیکی، می‌تواند منافع ملی ج.ا.ایران در منطقه غرب آسیا را مورد تهدید قرار دهد.

با توجه به ماهیت هویتی نظام‌های سیاسی ج.ا.ایران و عربستان سعودی، هدف قرار گرفتن هویت و جایگاه ج.ا.ایران در منطقه و جهان اسلام توسط عربستان، به نوعی حمله به اساس و ماهیت سیاست خارجی ج.ا.ایران با توجه به اصول قانون اساسی ج.ا.ایران (به ویژه بند ۱۶ اصل ۴، و اصول ۱۱، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۴) محسوب می‌شود؛ از این رو آگاهی از مسائل و چالش‌ها و همچنین تحلیل هدف‌های آن کشور از تغییر رویکرد سیاست خارجی و امنیتی محافظه‌کارانه به سیاست خارجی ستیزه‌جویانه (تخاصمی) در برابر ج.ا.ایران، لازم و ضروری به نظر می‌رسد.

۱-۳. پیشینه تحقیق

کارهای پژوهشی انجام شده در مورد موضوع این تحقیق، شامل سه دسته است:

۱. تحقیقاتی که موضوع دیگری را در چارچوب نظری این پژوهش مورد تحلیل قرار داده‌اند، ۲. تحقیقاتی که همین موضوع را با رویکرد دیگری تحلیل نموده‌اند، ۳. تحقیقاتی که هم موضوع و هم رویکرد نظری آنها مشابه این پژوهش است.

دسته اول: جوادی ارجمند (۱۳۹۲) در مقاله‌ای رابطه‌ی هویت و منافع در سیاست خارجی ج.ا.ایران را مورد بررسی قرار داده است. این مقاله از نظر چارچوب نظری با این پژوهش مشابه است، اما افزون بر ضعف محتوایی و استدلالی، از نظر موضوع و مؤلفه‌های مورد بررسی با توجه به چارچوب نظری و همچنین مورد پژوهش با این مقاله تفاوت دارد.

چپرسون و همکاران^۱ (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «هنجارها، هویت و فرهنگ امنیت ملی» با فاصله گرفتن از مفروض‌های مسلط در مطالعات امنیت ملی معاصر، عنوان می‌دارند محیط امنیتی که دولت‌ها در آن فعال هستند تا اندازه چشمگیری فرهنگی و نهادی است. این مقاله از جنبه نظری با این پژوهش هماهنگی زیادی دارد، اما به لحاظ موضوع با این تحقیق تفاوت دارد.

هرمان^۲ (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «هویت، هنجارها و امنیت ملی: انقلاب در سیاست خارجی شوروی» به بحث در مورد چارچوب تحلیلی بدیلی می‌پردازد تا بتواند تغییر بنیادی و گسترده در سیاست خارجی و نظامی شوروی سابق را تبیین نماید. «هرمان» دگرگونی‌های بنیادین نامطلوب در توانمندی نسبی اتحاد شوروی و تغییرات نامطلوب در همبستگی نیروها در سطح جهان را عامل مهمی در به قدرت رسیدن اصلاح‌طلبان و به گونه‌ای در ماندن آنها در مسند قدرت (و حتی اثرگذاری بر طرز فکر گورباچف در سال‌های بعد) می‌داند.

دسته دوم: فرهاد عطایی و محمد منصوری مقدم (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «تبارشناسی سیاست خارجی عربستان سعودی»، به بررسی سیاست خارجی دولت ریاض پرداخته‌اند. نتیجه‌گیری نویسندگان این است که سیاست خارجی عربستان، بیش از هر چیز تحت تأثیر نگرانی‌ها و ملاحظه‌های امنیتی آن کشور است.

1. Ronald L. Jepperson

2. Robert G. Herman

مهدی علیخانی (۱۳۹۴)، در مقاله «چرخه تعارض در روابط ایران و عربستان» عنوان می‌دارد که در سطح روابط دوجانبه ایران و عربستان، «چرخه تعارضی» وجود دارد که هدف سعودی از اقدام‌های ماجراجویانه‌اش، فراتر از قطع روابط دوجانبه، به چالش کشیدن نقش و مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی ایران است.

دسته سوم: افشین متقی (۱۳۹۴) در مقاله «واکاوی زمینه‌های ناسازواری در روابط ایران و عربستان بر پایه نظریه سازه‌انگاری»، به این نتیجه می‌رسد که فقدان سه شاخص «هویت»، «انگاره» و «هنجار» مشترک میان ایران و عربستان، در کنار رقابت و قدرت بر بنیاد ژئوپلیتیک، از عوامل مهم ایجاد تنش در روابط تهران - ریاض به‌شمار می‌رود. علیرضا اکبری (۱۳۹۴)، در مقاله‌ای با عنوان «خطاهای راهبردی عربستان در ایجاد وضعیت بحرانی»، عنوان می‌دارد که رژیم آل‌سعود، برای پوشاندن نقاط ضعف و تهدیدهای داخلی، خود را ناچار می‌بیند به فرافکنی و بحران‌سازی مبادرت کند.

در مجموع، بررسی ادبیات و پیشینه موضوع بیانگر این است که این تحقیق در موارد زیر با تحقیق‌های پیشین متمایز است: تاکنون پژوهشی که هم از نظر از موضوعی و هم از نظر چارچوب نظری با موضوع و چارچوب این پژوهش کار شده باشد، یافت نشد و این پژوهش به‌صورت خاص، مقوله‌های «هویت» و «شناسایی» را از نظریه سازه‌انگاری استخراج نموده و برای فهم هویتی - هنجاری سیاست خارجی ستیزه جویانه عربستان سعودی در برابر ج.ا.ایران به کار می‌برد که تاکنون سابقه‌ای مشابه آن یافت نشده است.

۴-۱. پرسش تحقیق

مجموعه حاکمیت عربستان سعودی چه هدفی را از در پیش گرفتن رویکرد ستیزه جویانه در برابر ج.ا.ایران دنبال می‌کند؟

۱-۵. روش‌شناسی تحقیق

۱-۵-۱. نوع تحقیق

این تحقیق از نوع تحقیقات توسعه‌ای است.

۱-۵-۲. روش گردآوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات

رویکرد کلان این پژوهش مبتنی بر نظریه سازه‌انگاری بر پایه مقوله‌های هویت و شناسایی می‌باشد؛ به این شکل که با در نظر گرفتن مقوله‌های هویت و شناسایی از نظریه سازه‌انگاری در پی فهم رویکرد ستیزه‌جویانه عربستان در برابر ج.ا.ایران برآمده است. به این منظور با بررسی و تحلیل چالش‌های سیاسی - اجتماعی و امنیتی عربستان سعودی در محیط داخلی و خارجی، در تحلیل نقش «اتخاذ سیاست خارجی ستیزه‌جویانه این کشور در برابر ایران» بر مقوله‌های هویت‌سازی در محیط داخلی برای کسب مشروعیت و شناسایی در محیط خارجی (منطقه و جهان عرب) برای کسب منافع پرداخته شده است. ابزار گردآوری اطلاعات نیز کتابخانه‌ای و پرسشنامه است.

۱-۵-۳. جامعه آماری و حجم نمونه

برای تعیین جامعه آماری و حجم نمونه، پس از بررسی سوابق علمی، پژوهشی و کاری استادان دانشگاه و پژوهشگران مرتبط با موضوع، تعداد ۵۱ نفر که در زمینه این پژوهش دارای شناخت و تخصص بودند، به‌عنوان جامعه آماری مورد شناسایی قرار گرفتند. در ادامه با استفاده از فرمول تعیین حجم نمونه «کوکران» و احتساب مفروض‌های این فرمول، تعداد ۴۵ نفر به شرح زیر به‌عنوان حجم نمونه، محاسبه و در نظر گرفته شده است:

جدول شماره (۱) ویژگی‌های نمونه آماری

| رشته تحصیلی | | | | | | سطح تحصیلات | | |
|-------------|----------------|------------------|----------------|------------|-----------------|-------------|---------------|-------|
| مجموع | مدیریت راهبردی | مطالعات منطقه‌ای | جغرافیای سیاسی | علوم سیاسی | روابط بین‌الملل | مجموع | دانشجوی دکتری | دکتری |
| ۴۵ | ۳ | ۸ | ۱۲ | ۱۰ | ۱۲ | ۴۵ | ۲۵ | ۲۰ |

۴-۵-۱. روایی و پایایی

در بحث روایی، با توجه به محقق ساخته بودن پرسشنامه، این پرسشنامه به تعداد ۱۲ نفر از صاحب‌نظران در حوزه‌های مرتبط ارائه گردیده و دیدگاه‌های اصلاحی آنها اعمال گردید. پایایی (اعتبار) پرسشنامه نیز از طریق آلفای کرونباخ محاسبه شد. نتایج نشان‌دهنده ضریب آلفای کرونباخ (میانگین) ۰/۸۴ درصد است که بیانگر انسجام و ثبات درونی قابل قبول پرسشنامه می‌باشد.

۲. ادبیات و چارچوب نظری

۲-۱. سازه‌نگاری

سازه‌نگاری از نظریه‌های مهمی است که از اوایل دهه ۱۹۹۰ وارد حوزه روابط بین‌الملل شد. این نظریه که در برابر نظریه مادیت‌گرایی جریان اصلی روابط بین‌الملل قرار می‌گیرد، با رد برداشت‌های خردگرایانه، دیدگاهی منطقی - اجتماعی به سیاست‌های جهانی ارائه داد که بر اهمیت ساختارهای هنجاری، مادی و نقش هویت در ساخت منافع، کنش‌ها و تکوین متقابل کارگزار - ساختار تأکید می‌کند. (عطایی و منصور، مقدم، ۱۳۹۲: ۱۴۰)

سازه‌نگاری نه تنها از نظر ارائه فهم نوینی از روابط بین‌الملل در بُعد محتوایی اهمیت دارد، بلکه از این نظر که در عین حال (و به گمان برخی، در اصل) تلاشی است در حوزه فرانظری، اهمیت ویژه‌ای دارد. (مشیرزاده، ۱۳۹۰: ۳۲۳)

طبق رویکرد سازه‌نگاری، سیاست بین‌الملل در قالب جامعه بین‌المللی شکل می‌گیرد و هنجارها و قواعد، اساس بازی را در نظام بین‌الملل شکل می‌دهند (رستمی و طباحی ممقانی، ۱۳۹۰: ۱۲) از نظر «استیو اسمیت»^۱ سازه‌نگاری اجتماعی به شکل خاص برای تحلیل سیاست خارجی مناسب است؛ به این دلیل که برساختگی اجتماعی

از این مفروض شروع می‌شود که کنشگران، جهان خود را می‌سازند و این کنشگران هستند که تفسیر می‌کنند، تصمیم می‌گیرند، اعلام و اجرا می‌کنند. (Smith, 2011: 83-85)

اتخاذ موضع میانه و یا گزینش راهی میانه، ویژگی است که بیش از هر مکتبی به سازه‌انگاری نسبت داده می‌شود. (نصری، ۱۳۸۵: ۷۳۲) مطالعات امنیتی سازه‌انگاران در حد فاصل مطالعات امنیتی خردگرایان و واکنش‌گرایان و یا به طور کلی میان اثبات‌گرایان و فرائیبات‌گرایان قرار دارد و می‌کوشد تا این دو مجموعه را به هم وصل نماید. (عبدا...خانی، ۱۳۸۳: ۱۸۵)

مطالعات امنیتی سازه‌انگاران بر دو فرضیه عمده بنا شده است: اول آنکه ساختارهای اساسی سیاست بین‌الملل ساخته و پرداخته ساختارهای اجتماعی است و دوم آنکه تغییر تفکر در مورد روابط بین‌الملل می‌تواند منجر به تغییر وضعیت امنیت بین‌الملل و بهبود آن گردد؛ به این معنا که چنانچه تفکر تغییر نماید، وضعیت امنیتی نیز تغییر خواهد کرد (آقاسینی و مهدیان، ۱۳۹۴: ۶۴).

سازه‌انگاران در زمینه معماهای امنیتی «موازنه قدرت» و «تنگنای امنیتی»، توضیحات قابل درکی ارائه داده‌اند. سازه‌انگاران برای این وضعیت، مفهوم هویت را مطرح می‌نمایند. (آقاسینی و مهدیان، ۱۳۹۴: ۶۴)

سازه‌انگاران در عرصه روابط بین‌الملل در چهار عقیده اشتراک نظر دارند: نخست اینکه معتقدند بازیگران و ساختارها به صورت متقابل ساخته می‌شوند. تعامل‌های بازیگران، ساختارهای بین‌المللی را شکل می‌دهد و این ساختارها رفتار بازیگران را تعیین می‌کند. دوم اینکه آنها معتقدند هویت و منافع، متغیرهایی درونی هستند؛ هویت‌ها به صورت مستمر از طریق تعامل بازیگران ساخته می‌شوند و منافع از هویت‌های خاص سرچشمه می‌گیرد. سوم اینکه سازه‌انگاران، قدرت را فقط در عوامل مادی خلاصه نمی‌دانند و بر قدرت ایده‌ها و اندیشه‌ها تأکید دارند. چهارم اینکه سازه‌انگاران به ارائه چارچوب مختص به خود برای تشریح تغییرات بین‌المللی همت گمارده‌اند.

۲-۲. سازه‌انگاری و هویت

هویت عبارت است از فهم‌ها و انتظارها در مورد خود که خاص نقش است. هویت‌ها به شکل همزمان بر گزینش‌های عقلانی قوام می‌دهند و الگوهای هنجاری سیاست بین‌الملل نیز به آنها شکل می‌دهند. (مشیرزاده، ۱۳۹۰: ۳۳۲) موضوع هویت و نقش آن در سیاست خارجی، برجسته‌ترین نکته در سازه‌انگاری است. هویت سازه‌انگارانه نه فقط ازلی‌انگارانه^۱ و از پیش داده^۲ شده است و نه فقط ابزارگرایانه^۳. هویت در نگرش سازه‌انگاری نه متصلب و ازلی است و نه سیال و نسبی. هویت سازه‌انگارانه هم حامل مایه‌های ثابت و هم پذیرای معناها و اشکال پویاست. در این معنا، هویت بازیگران همواره در حال پوست انداختن و بازتعریف است و سخن گفتن از هویتی ثابت و بدون تغییر، غیر ممکن است. (نصری، ۱۳۸۵: ۷۲۲)

در تحلیل سازه‌انگارانه امور، کنش تا اندازه چشمگیری تابع شناخت یا دانش است. هر بازیگری به عنوان حامل یک هویت، فهم و انتظار ویژه‌ای از خود دارد و مناسبات خود با دیگران را بر اساس همان فهم شکل می‌بخشد. معنای رفتار من (I) و ادراک دیگری از آن رفتار و سرانجام جمع‌بندی من از رفتار دیگری، سه پایه تشکیل‌دهنده رفتار یک بازیگر در (سطح گروهی و ملی) را تشکیل می‌دهند. بر این اساس، بین هویت، تصمیم و سیاست بازیگران ربط وثیقی وجود دارد؛ چون هر بازیگری در رابطه با سایر بازیگران و درباره آنها برداشت‌های خاصی دارد و بر اساس همین برداشت‌ها (که امکان غیرواقعی بودن آن نیز وجود دارد) است که منافع خاصی تولید کرده و سیاستگذاری می‌کند. نوع و میزان تعامل میان بازیگران تا اندازه زیادی تابع این تفسیر است که چه کسی خودی و کدام بازیگر، دگر ماست. (نصری، ۱۳۸۵: ۷۲۲)

-
1. Primordial
 2. Pregiven
 3. Instrumental

سازه‌انگاران معتقد هستند هویت‌ها با فراهم آوردن معنا، تردیدها را کاهش می‌دهند، از این‌رو، با دادن توانایی به یک کشور برای شناخت دشمنان خود، می‌تواند تردیدها را جای نامنی قطعی بنشانند. (عبدا...خانی، ۱۳۸۳: ۲۰۹) نکته‌ای که نباید فراموش کرد این است که هویت‌ها فقط متفاوت نیستند، بلکه متحول نیز هستند. بر این اساس، تفاوت، امری متحول است؛ به عبارتی، حدود و ثغور تمایزهای فرهنگی رفته‌رفته متحول می‌شود. با پدیداری فرایندهای جدید، برداشت‌های متفاوت و نوع علامت‌های تبدیلی بین بازیگران، محاسبه‌ها و مناسبات نیز متحول می‌گردد. به این ترتیب، هر مؤلفه و علامتی که روی برداشت دیگران اثر بگذارد، در نگرش سازه‌انگاران معنادار و اثرگذار است. (نصری، ۱۳۸۵: ۷۲۲) در چارچوب رویکرد سازه‌انگاری، آنچه رفتار دولت‌ها را دستخوش تعدیل می‌سازد، ساخت هویت‌ها و منافع است که به‌صورت بین‌الذنهانی ایجاد می‌شود (قوام، ۱۳۹۱: ۳۲۷) و همان‌گونه که فهم از مشروعیت یا سرشت اجتماع تغییر می‌کند، اولویت‌های بنیادین کنشگران نیز تغییر می‌کند؛ در نتیجه، در تعامل‌های میان دولت‌ها آنها همواره خود و دیگری را بازتعریف می‌کنند. (مشیرزاده، ۱۳۹۰: ۳۳۴)

۳. یافته‌های تحقیق (مسائل و چالش‌های عربستان سعودی)

در این بخش از پژوهش، مسائل و چالش‌های داخلی و خارجی عربستان سعودی در حوزه‌های ساختار اجتماعی سنتی و قبیله‌ای، تغییر مسئولان (پادشاه، ولیعهد و ...) و در نتیجه اختلاف‌ها و رقابت درون‌حاکمیتی منبعث از آن، تأثیر افول یا سقوط قدرت‌های طراز اول عربی منطقه بر ارتقای جایگاه ایران در منطقه و افزایش نفوذ و مقبولیت منطقه‌ای و جهانی ج.ا.ایران و تأثیر این مسائل و چالش‌ها بر کاهش مقبولیت و بحران مشروعیت نظام سیاسی عربستان در داخل و کاهش جایگاه این کشور در برابر ج.ا.ایران در منطقه و جهان مورد بررسی قرار گرفته است.

جدول شماره (۲) دیدگاه نمونه آماری نسبت به مسائل و چالش‌های داخلی و خارجی عربستان سعودی

| میانگین | دیدگاه نمونه آماری نسبت به گویه‌ها | | | | | گویه‌های پرسشنامه | مسائل و چالش‌های (داخلی و خارجی) عربستان سعودی | ردیف |
|---------|------------------------------------|------|-------|------|-----------|-------------------|---|------|
| | درجه‌های ارزیابی | | | | | | | |
| | خیلی کم | کم | متوسط | زیاد | خیلی زیاد | | | |
| ۱۱/۲ | ۵ | ۸ | ۷ | ۱۱ | ۱۴ | فراوانی | ۱ ساختار اجتماعی سنتی و قبیله‌ای از مسائل و چالش‌های داخلی نظام سیاسی عربستان است. | ۱ |
| درصد | ۱۱/۱ | ۱۷/۸ | ۱۵/۶ | ۲۴/۴ | ۳۱/۱ | درصد | | |
| ۱۰/۹ | ۹ | ۵ | ۶ | ۱۰ | ۱۵ | فراوانی | ۲ تغییر مسئولان (پادشاه، ولیعهد و ...) و در نتیجه اختلاف‌ها و رقابت درون‌حاکمیتی از مسائل و چالش‌های داخلی نظام سیاسی عربستان است. | ۲ |
| درصد | ۲۰ | ۱۱/۱ | ۱۳/۳ | ۲۲/۳ | ۳۳/۳ | درصد | | |
| ۱۳/۴ | ۰ | ۲ | ۶ | ۲۱ | ۱۶ | فراوانی | ۳ افول یا سقوط قدرت‌های طراز اول عربی منطقه و متعاقب آن ارتقای جایگاه ج.ا.ایران در منطقه از مسائل و چالش‌های خارجی نظام سیاسی عربستان است. | ۳ |
| درصد | ۰ | ۴/۴ | ۱۳/۳ | ۴۶/۷ | ۳۵/۶ | درصد | | |
| ۱۳/۵ | ۱ | ۲ | ۳ | ۲۲ | ۱۷ | فراوانی | ۴ افزایش نفوذ و مقبولیت منطقه‌ای و جهانی ایران از مسائل و چالش‌های خارجی نظام سیاسی عربستان است. | ۴ |
| درصد | ۲/۲ | ۴/۴ | ۶/۷ | ۴۸/۹ | ۳۷/۸ | درصد | | |
| ۱۲/۱ | ۴ | ۵ | ۶ | ۱۴ | ۱۶ | فراوانی | ۵ تغییر مسئولان و اختلاف‌ها و رقابت درون‌حاکمیتی، حاکمان جدید عربستان را در وضعیت کاهش مقبولیت و بحران مشروعیت قرار داد. | ۵ |
| درصد | ۴/۴ | ۱۱/۱ | ۶/۷ | ۳۱/۱ | ۳۵/۶ | درصد | | |
| ۱۱/۹ | ۵ | ۴ | ۶ | ۱۵ | ۱۵ | فراوانی | ۶ ساختار اجتماعی قبیله‌ای و کاهش مشروعیت داخلی، حاکمان جدید عربستان را در وضعیت کاهش مقبولیت و بحران مشروعیت قرار داد. | ۶ |
| درصد | ۱۱/۱ | ۸/۹ | ۱۳/۴ | ۳۳/۳ | ۳۳/۳ | درصد | | |
| ۱۳/۵ | ۰ | ۳ | ۴ | ۲۱ | ۱۷ | فراوانی | ۷ از دیدگاه مسئولان آل سعود، تحولات منطقه، کاهش جایگاه عربستان در برابر ایران در منطقه و جهان را در پی داشته است. | ۷ |
| درصد | ۰ | ۶/۷ | ۸/۹ | ۴۶/۷ | ۳۷/۸ | درصد | | |
| ۱۳/۵ | ۱ | ۳ | ۲ | ۲۱ | ۱۸ | فراوانی | ۸ از دیدگاه مسئولان آل سعود، افزایش نفوذ و مقبولیت منطقه‌ای و جهانی ایران، کاهش جایگاه عربستان در برابر ایران در منطقه و جهان را در پی داشته است. | ۸ |
| درصد | ۲/۲ | ۶/۷ | ۴/۴ | ۴۶/۷ | ۴۰ | درصد | | |

۳-۱. ساختار اجتماعی قبیله‌ای و کاهش مشروعیت داخلی

عربستان به دلیل ساختار خاص اجتماعی و فرهنگی خود، از دیگر کشورهای منطقه غرب آسیا (خاورمیانه) و حتی کشورهای همسایه آن در حوزه جنوبی خلیج فارس متمایز می‌باشد. ساختارهای خاص قبیله‌ای و عشیره‌ای که به پدید آمدن فرهنگی خاص منتهی گردیده، همراه با آموزه‌های سنتی و مذهبی و نیز سیطره افکار و ایده‌های سلفی در قالب «وهابیت» به جامعه عربستان ترکیب منحصر به فردی بخشیده است. (Ackerman, 2013: 3) نظام سیاسی عربستان سعودی نیز یکی از نظام‌های هویتی غرب آسیاست که در نتیجه اتحاد تاریخی خاندان آل سعود با خاندان محمدابن عبدالوهاب در سال ۱۷۴۴ میلادی و در مبارزه‌های طولانی در سال ۱۹۳۲ میلادی تشکیل شد. این همپوشانی، نوعی نظام سیاسی دینی در عربستان سعودی برقرار ساخت که مبتنی بر آیین وهابیت است؛ به گونه‌ای که این مذهب، مهم‌ترین عامل اثرگذار داخلی در تشکیل و تداوم دولت سعودی و بدون شک یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های هویتی دولت عربستان است (عطایی و منصورى مقدم، ۱۳۹۲: ۱۳۶)، اما در سال‌های اخیر این ارتباط بین مذهب و نظام سیاسی و به نوعی مشروعیت سنتی - مذهبی این رژیم دچار مشکل شده است. برخی گروه‌های تندرو وهابی، خاندان آل سعود را در جامعه وهابیت عربستان به کوتاهی در ایدئولوژی مذهبی و فساد متهم می‌کنند و کمر به براندازی این خاندان بسته‌اند. القاعده نیز که نفوذ زیادی در جامعه عربستان دارد، می‌خواهد خانواده سلطنتی را در عربستان از قدرت پایین بکشد. (بیمن، ۱۳۹۴: ۵)

خاندان سعودی با مشکلات مشروعیتی قابل توجهی پس از قیام‌های مردم در کشورهای عربی مواجه شده‌اند: اول اینکه این قیام‌ها مردمی و بر ضد رژیم‌های استبدادی و دیکتاتوری عربی بوده و رژیم عربستان یکی از مظاهر همین حکومت‌ها در غرب آسیاست. دوم اینکه قیام‌ها خواهان مردم‌سالاری در کشورهای عربی است و رژیم عربستان از جمله کشورهایی است که در آن، مردم‌سالاری محلی از اعراب ندارد و یک

قبیله بر آن حکومت می‌کند. مردم در جریان انقلاب‌ها در کشورهای عربی، خواستار آزادی‌های سیاسی، حضور و مشارکت در حاکمیت بودند و طرح چنین شعارهایی، تهدید بزرگی برای حکومت‌های پادشاهی موروثی است و مفاهیمی همچون آزادی خواهی و مشارکت مردم، اساس حکومت این رژیم را به خطر می‌اندازد، از این‌رو ملک سلمان سعی می‌کند تا از یک خدعه و نیرنگ قدیمی در سیاست استفاده کند و آن نسبت دادن مشکلات داخلی به عوامل خارجی (ایرانی - شیعی) است. (بیمن، ۱۳۹۴: ۵)

۲-۳. تغییر مسئولان و اختلاف‌ها و رقابت درون‌حاکمیتی

جنگ قدرت و مناقشه بر سر جانشینی از جمله نشانه‌های وجود «بحران توزیع قدرت» در عربستان است که به توزیع غیرمعمول، نامناسب و پرحاشیه قدرت به‌عنوان یکی از بحران‌های کلیدی ارتباط پیدا می‌کند؛ به‌گونه‌ای که این بحران، دیگر بحران‌های موجود در دستگاه سلطنتی این کشور را تشدید می‌کند. (قناباشی، ۱۳۹۳: ۲)

محور قدرت در عربستان خاندان آل سعود است. این خاندان یکی از گروه‌های اصلی و اثرگذار قدرت در عربستان سعودی است. از مشخصه‌های تاریخ این خاندان این است که دارای شاخه‌های مختلف و متعددی است که فاصله متفاوتی از قدرت و حکومت دارند و بسیاری از افراد شاخه‌های فرعی، هیچ نقشی در قدرت سیاسی کشور ندارند. گستردگی و فراوانی اعضای خاندان، امکان توطئه و رقابت‌های شخصی بین خاندان سلطنتی را افزایش داده است.

امروز نظام سیاسی عربستان هیچ طرح و ساماندهی برای انتقال قدرت ندارد و این بحرانی بزرگ است. همه شاخص‌ها و نشانه‌ها از جمله تغییر ولیعهد و جانشین تعیین‌شده (کنونی) آن، نشان‌دهنده تشدید جنگ قدرت در عربستان است؛ تنشی که در آینده نه‌چندان دور بیشتر جنبه علنی به خود خواهد گرفت.

۳-۳. سقوط قدرت‌های طراز اول عربی و ارتقای جایگاه ایران در منطقه

تا پیش از مارس ۲۰۰۳ در سطح منطقه‌ای یک ساختار قدرت سه ضلعی میان ج.ا.ایران، عراق و عربستان وجود داشت که با حذف عراق، عرصه رقابت میان ایران و عربستان پُررنگ‌تر گردید. (ساعی و علیخانی، ۱۳۹۲: ۱۱۱) ج.ا.ایران که برای چندین دهه از ناحیه جنوب غرب و از اواسط دهه ۱۹۹۰ از سمت شرق، با دو دشمن راهبردی و ایدئولوژیک روبه‌رو بود، با حمله آمریکا به افغانستان و عراق و سقوط طالبان و رژیم بعث، نه تنها از شر دو دشمن همسایه‌اش رها شد، بلکه به دلیل وجود پیوستگی ژئوکالچری با این دو کشور (مذهب در عراق و زبان در افغانستان)، فضا برای افزایش نفوذ ج.ا.ایران در عراق و افغانستان فراهم گردید. به همین دلیل، عربستان به عنوان دیگر رقیب منطقه‌ای ج.ا.ایران، از این تغییر وضعیت به سود ایران بسیار ناراضی و خواهان مهار نفوذ منطقه‌ای ایران شد. از این دوران، روابط عربستان از حالت رقابت به سمت ستیزه‌جویی حرکت کرد و این ستیزه‌جویی در دیگر بخش‌ها از جمله در منطقه شامات نیز افزایش یافت.

رقابت و اختلاف ایران و عربستان با شروع تحولات بیداری اسلامی و سقوط برخی از نظام‌های سیاسی همسو با عربستان در این کشورها، و گسترش ناآرامی‌ها به دیگر کشورهای منطقه (مانند بحرین، سوریه و عراق) و در نتیجه، افزایش نفوذ و اثرگذاری ج.ا.ایران بر این تحولات، به اوج خود رسید. عربستان سعودی همواره گسترش نقش ایران در دیگر کشورهای عربی را در راستای کاهش نقش و جایگاه و اعتبار خود ارزیابی می‌کند. (فرجی‌راد، ۱۳۹۴: ۱۳) در بین قیام‌های عربی، جدی‌ترین زنگ خطر ریاض، جنبش طرفدار دموکراسی در بحرین بود. آنها تصور می‌کنند این شیعیان باعث افزایش نفوذ و قدرت ج.ا.ایران در منطقه‌ای می‌شوند که به صورت سنتی تحت نفوذ عربستان بوده است. (Aneja, 2014: 94)

از دیگر دلایل ترس عربستان از قیام‌های مردمی در کشورهای عربی، قدرت‌گیری اخوان‌المسلمین در مصر بود. (Abdel Latif, 2002: 3) با توجه به روابط طولانی بین اخوان‌المسلمین مصر و همکاران آنها در عربستان سعودی، نگرانی از سرایت طرفداران دموکراسی به رهبری اخوان‌المسلمین به قلب عربستان برای رهبران این کشور طبیعی بود. از دید عربستان، اخوان‌المسلمین، افزون بر ارتباط گسترده با ترکیه، به نوعی از روحانیت شیعه متأثر است. (Al-Bukairi, 2010: 2)

سقوط حسنی مبارک، نفوذ عربستان در این منطقه را با چالش‌های زیادی مواجه ساخت. سعودی‌ها به این نتیجه رسیدند که برای این پادشاهی، تکیه بر سیاست امنیتی نوشته شده در واشنگتن نتیجه معکوس خواهد داد و امنیت ملی و منافع راهبردی عربستان همزمان با گسترش نفوذ ج.ا.ایران در منطقه به خطر خواهد افتاد. (Obaid, 2011: 4) در این میان تحولات یمن نیز تأثیر مستقیمی بر موقعیت منطقه‌ای عربستان داشت. در یمن، سقوط دولت و افزایش قدرت مخالفان عربستان و تلاش آنها برای تشکیل دولتی مستقل و نزدیک به ایران، فضا را برای عربستان تنگ‌تر کرد. (علایی، ۱۳۹۱: ۳)

۴-۳. افزایش نفوذ و مقبولیت منطقه‌ای و جهانی ایران به دنبال توافق هسته‌ای

با وجود مخالفت‌هایی که در داخل آمریکا و همچنین از جانب رژیم صهیونیستی و برخی از کشورهای عربی با توافق هسته‌ای ایران و ۵+۱ وجود داشت، این توافق موسوم به «برنامه جامع اقدام مشترک» بین ایران و اعضای ۵+۱ (و به‌نوعی بین ایران و نظام بین‌المللی) در سال ۲۰۱۵ میلادی حاصل شد و اجرای آن در سال ۲۰۱۶ آغاز گردید. (بن‌میر، ۱۳۹۴: ۶) توافق هسته‌ای از دیدگاه تعامل ساختار/کارگزار یعنی ایجاد تعامل بین ج.ا.ایران و نظام بین‌المللی، زمینه‌تغییر در روابط ایران با کشورها و قدرت‌های مختلف جهان از جمله اتحادیه اروپایی را میسر نموده است. در این مرحله، روابط دیپلماتیک ایران با کشورهای دیگر وارد دوران جدیدی شد؛ آنچه بیش از هر موردی به

چشم می‌آید، تکاپوی گسترده کشورهای غربی برای احیای روابط با ایران است. (بن میر، ۱۳۹۴: ۶) اکنون شرایطی برای ایران به وجود آمده بود تا رویکرد چندجانبه‌ای را در سیاست خارجی دنبال کند. این موضوع برای کشورهایی مانند عربستان که ج.ا.ایران را رقیب اصلی خود محسوب می‌کنند، قابل تحمل نیست و این کشور را نگران افزایش جایگاه و منزلت ایران در تحولات منطقه‌ای کرده است. (پیلار، ۱۳۹۴: ۲۸)؛ زیرا با عادی شدن روابط ایران و غرب، موقعیت ژئوپلیتیک ایران قوی‌تر خواهد شد و ج.ا.ایران را الگوی بهتری برای جهان اسلام خواهد کرد و این مسئله برای عربستان غیرقابل قبول است. (ملکی، ۱۳۹۴: ۲۱)

سعودی‌ها از توافق هسته‌ای به دست آمده میان ایران و ۱+۵ و اعتماد جهانی شکل گرفته نسبت به ایران بسیار خشمگین هستند و با این بحران‌سازی‌ها نه تنها درباره ایران بلکه در کل منطقه از اهدافی که دنبال می‌کنند، تحت تأثیر قرار دادن توافق هسته‌ای و جلوگیری از ارتقای جایگاه منطقه‌ای و مقبولیت جهانی ج.ا.ایران است. (ملکی، ۱۳۹۴: ۲۱) پذیرش و رسمیت یافتن برنامه هسته‌ای ایران از سوی نظام بین‌الملل که منبث از توان و قابلیت‌های درون‌زای ایران است، احساس پیشرفت و برتری برای ج.ا.ایران و عقب افتادن برای آل‌سعود در منطقه را در پی داشته است. به همین دلیل، امیران بلندپایه سعودی برای جبران این عقب‌افتادگی از رقیب هویتی‌شان (ایران) بارها اعلام کردند که ریاض تلاش خواهد کرد تا به همان حقوق اتمی دست یابد که غرب در مذاکرات با ج.ا.ایران در شهر لوزان سوئیس بر سر این حقوق با تهران به توافق رسید.

۴. تجزیه و تحلیل یافته‌ها

۴-۱. دگرسازی و دشمن‌سازی هویتی از ایران

بر اساس یافته‌های تحقیق، چالش‌هایی مانند ساختار اجتماعی قبیله‌ای و کاهش مشروعیت ایدئولوژیکی (در بخش سنتی سنی مذهب جامعه عربستان) و دموکراتیک

(در بخش تحصیل کرده جامعه و شیعیان عربستان) و همچنین تغییر مسئولان و اختلاف‌ها و رقابت درون‌حاکمیتی، باعث کاهش نسبی مقبولیت و بحران مشروعیت در داخل کشور برای نظام سیاسی عربستان گردیده است؛ از سوی دیگر، جایگاه عربستان در برابر ج.ا.ایران در منطقه و جهان به سبب عواملی مانند سقوط قدرت‌های طراز اول عربی منطقه و افزایش نفوذ ج.ا.ایران در منطقه و همچنین افزایش نفوذ و مقبولیت منطقه‌ای و جهانی ایران، کاهش پیدا کرده است.

جدول شماره (۳) دیدگاه نمونه آماری در مورد نگاه حاکمیت سعودی به مسائل و چالش‌های داخلی و خارجی عربستان

| میانگین | دیدگاه نمونه آماری نسبت به گویه‌ها | | | | | گویه‌های پرسشنامه | |
|-----------|------------------------------------|------|-------|------|-----------|---|---|
| | درجه‌های ارزیابی | | | | | نگاه حاکمیت سعودی به مسائل و چالش‌های داخلی و خارجی | نکته |
| | خیلی کم | کم | متوسط | زیاد | خیلی زیاد | | |
| ۴۵/۸ درصد | ۱ | ۵ | ۱۶ | ۱۴ | ۹ | فراوانی | مسئولان عربستان سعودی نگران کاهش مقبولیت و بحران مشروعیت نظام سیاسی در داخل این کشور هستند. |
| ۵۴/۲ درصد | ۱ | ۲ | ۳ | ۱۷ | ۲۲ | فراوانی | مسئولان عربستان سعودی نگران کاهش جایگاه این کشور در برابر ج.ا.ایران در منطقه و جهان هستند. |
| | ۲/۲ | ۱۱/۱ | ۳۵/۶ | ۳۱/۱ | ۲۰ | درصد | |
| | ۲/۲ | ۴/۴ | ۶/۷ | ۳۷/۸ | ۴۸/۹ | درصد | |

مسئولان سعودی در دو زمینه «کاهش مقبولیت و بحران مشروعیت نظام سیاسی در داخل این کشور» و «کاهش جایگاه این کشور در برابر ایران در منطقه و جهان» احساس نگرانی می‌کنند، از این رو، با نگرش حاکم بر مسئولان جدید این رژیم و در راستای فائق آمدن بر نگرانی‌های یادشده، آنها در گام اول راهبرد «دگرسازی و دشمن‌سازی هویتی از ج.ا.ایران (معرفی ایران به عنوان دشمن)» را با اهداف زیر در پیش گرفته‌اند:

(۱) برساختن هویت (از طریق تهییج هویت ملی‌گرایانه عربی - سنی در برابر هویت ایرانی - شیعی)؛

(۲) همدردی سایر اعراب و اهل تسنن جهان اسلام با عربستان برای مقابله با ایران.

جدول شماره (۴) دیدگاه نمونه آماری در مورد هدف عربستان از دگرسازی و دشمن‌سازی هویتی از ایران

| میانگین | دیدگاه نمونه آماری نسبت به گویه‌ها | | | | | گویه‌های پرسشنامه | ردیف | |
|--------------|------------------------------------|-----|-------|------|-----------|-------------------|---|---|
| | درجه‌های ارزیابی | | | | | | | هدف عربستان از دگرسازی و دشمن‌سازی هویتی از ایران |
| | خیلی کم | کم | متوسط | زیاد | خیلی زیاد | | | |
| ۴۹/۷ درصد | ۱ | ۱ | ۲ | ۲۰ | ۲۱ | فراوانی | ۱ دگرسازی و دشمن‌سازی هویتی عربستان از ایران در راستای تهییج هویت ملی گرایانه عربی - سنی در برابر هویت ایرانی - شیعی است. | |
| | ۲/۲ | ۲/۲ | ۴/۴ | ۴۴/۵ | ۴۶/۷ | درصد | | |
| ۵۱/۳ درصد | ۰ | ۲ | ۲ | ۱۹ | ۲۲ | فراوانی | ۲ دگرسازی و دشمن‌سازی هویتی از ایران توسط حاکمان سعودی در راستای همدردی سایر اعراب و اهل تسنن جهان اسلام برای مقابله عربستان با ج.ا.ایران در منطقه و جهان اسلام است. | |
| | ۰ | ۴/۴ | ۴/۴ | ۴۲/۳ | ۴۸/۹ | درصد | | |

۲-۴. در پیش گرفتن سیاست خارجی ستیزه‌جویانه با ج.ا.ایران

گام دوم سعودی‌ها پس از راهبرد «دگرسازی و دشمن‌سازی هویتی از ج.ا.ایران، در پیش گرفتن سیاست خارجی ستیزه‌جویانه با ایران به‌عنوان دگر هویتی در حوزه‌های مسائل منطقه‌ای، بازار انرژی، پرونده هسته‌ای و برجام است. عربستان سعودی در ادامه راهبرد دگرسازی و دشمن‌سازی هویتی از ج.ا.ایران، با استفاده از ابزارهای سیاسی و تبلیغاتی (ایران‌هراسی و ائتلاف‌سازی سیاسی علیه ج.ا.ایران و محور مقاومت و ذهنیت‌سازی منفی از برنامه هسته‌ای ایران و حتی اعلام علنی آمادگی برای مقابله با ایران)، اقتصادی (بی‌نیاز کردن بازار جهانی انرژی از نفت ایران و تلاش برای پایین نگه داشتن قیمت آن) و به‌راه انداختن و حمایت از جنگ‌های نیابتی علیه منافع و امنیت ملی ج.ا.ایران، رویکرد سیاست خارجی تهاجمی در برابر ج.ا.ایران را در پیش گرفته است.

پس از آغاز پرونده هسته‌ای ایران در سال ۲۰۰۳، کشورهای عرب منطقه به‌ویژه عربستان سعودی با یک دید سوءظن توأم با نگرانی نسبت به اقدام‌های ج.ا.ایران می‌نگریسته‌اند. عربستان سعودی در ابتدا خواهان مذاکره و دیپلماسی در مسئله هسته‌ای بود، اما مسائل سیاسی و ژئوپلیتیکی منطقه و نفوذ ج.ا.ایران که توأم با قدرت نظامی در

منطقه بود، نگرانی سعودی‌ها را تشدید کرد و با همسویی با سیاست‌های غرب و آمریکا خواهان اعمال تحریم‌ها علیه ایران شد و با اشباع نمودن بازار نفت، کمک بزرگی به عملی کردن تحریم‌ها نمود؛ حتی وزیر وقت امور خارجه عربستان سعودی در فوریه ۲۰۱۰ با توجه به ناکارایی تحریم‌ها، خواهان راه‌حلی فوری (تهدید و اقدام نظامی) برای مقابله با برنامه‌های آینده ایران گردید. با آغاز مذاکرات ۵+۱ با گروه ایرانی برای برداشته شدن تحریم‌ها، عربستان سعودی با برخی از کشورهای منطقه تلاش کردند تا این مذاکرات به شکست بینجامد. (مهرعطا، ۱۳۹۵: ۱۲۹) پراکنش جوسازی منفی و هراسناک از ایران به وسیله عربستان درباره پرونده هسته‌ای ایران تا اندازه‌ای بود که عربستان از اقدام‌های گروه ۵+۱ ابراز نارضایتی شدید کرد و «ترکی بن فیصل»، رئیس سابق سازمان اطلاعات عربستان سعودی، خواستار تبدیل گروه ۵+۱ به گروه ۵+۲ گردید. (متقی، ۱۳۹۴: ۱۵۵)

مسئولان سعودی با ذهنیت‌سازی منفی از ایران، ظهور این کشور به عنوان یک قدرت هسته‌ای را چالش امنیتی بزرگی برای منطقه معرفی کرده و این امر را به این صورت مطرح می‌کنند که «نگران هستند ایران مسلح به سلاح‌های اتمی و در نتیجه مصون از یک حمله، ظهور و قابلیت خود را به عنوان قدرت مسلط بی‌رقیب در منطقه داشته باشد و در اختیار داشتن سلاح‌های اتمی توسط ایران، آزادی تحرک و مداخله نظامی در خلیج فارس را در پی داشت که در صورت لزوم می‌تواند به تهدید میدان‌های نفت عربستان و نقل و انتقال انرژی در امتداد خطوط دریایی از خلیج فارس در تنگه هرمز پردازد؛ به عبارتی، ایران با داشتن زرادخانه هسته‌ای می‌تواند به اندازه کافی جسارت برای تقویت نفوذ خود در منطقه از یک قوس راهبردی، از کوه‌های هندوکش در افغانستان تا سواحل دریای مدیترانه در لبنان را داشته باشد». (Aneja, 2014: 92)

عربستان سعودی حتی پس از برجام نیز در راستای عقب‌نماندن از ایران در این زمینه از قدرت و فناوری، نسبت به دستیابی به فناوری هسته‌ای و حتی ایجاد

یک زیرساخت غنی‌سازی داخلی مانند ایران ابراز علاقه نموده و در این راستا تلاش‌ها و اقدام‌هایی را انجام داده است. (Takeyh, 2015: 6) این کشور اعلام کرده قصد دارد تا سال ۲۰۳۲ میلادی با سرمایه‌گذاری ۸۰ میلیارد دلاری، ۱۶ راکتور هسته‌ای ایجاد کند که اولین آن در سال ۲۰۲۲ میلادی به بهره‌برداری خواهد رسید. (www.fararu.com)

عربستان سعودی که بزرگ‌ترین، ثروتمندترین و قدرتمندترین عضو شورای همکاری خلیج فارس است و در جایگاه بزرگ‌ترین صادرکننده نفت خام جهان، ادعای رهبری جهان (تقریباً بدون سکاندار) اسلام را نیز دارد (Henderson, 2013: 2)، از رویکرد جنگ اقتصادی علیه ایران با ابزار نفت نیز استفاده نموده و در حین تحریم‌های نفتی ایران با افزایش تولید خود، ظرفیت تحریم شده و خالی ایران در بازار نفت را به راحتی پُر نمود. (مهرعطا، ۱۳۹۵: ۱۲۹) عربستان با سرمایه‌گذاری روی کاهش قیمت نفت، تلاش کرد تا روند مذاکرات هسته‌ای و پس از آن بازیافتن جایگاه نفتی ایران در بازار جهانی نفت را نیز تخریب کند. این کشور همچنین در ادامه سیاست تهاجمی خود علیه ایران، تلاش نمود با ایجاد یک ائتلاف عربی، کشورهای عربی را با خود و علیه ج.ا.ایران بسیج کند.

بر اساس یافته‌های میدانی، حاکمیت سعودی، سیاست خارجی ستیزه‌جویانه در برابر ج.ا.ایران را در راستای اهداف زیر در پیش گرفته است:

- (۱) تولید آرمان سیاسی و علت وجودی در راستای ایجاد وحدت و همبستگی ملی در داخل؛
- (۲) تبلیغ پایداری و مقابله سیاسی در برابر ج.ا.ایران در راستای مطرح شدن در منطقه و جهان عرب؛
- (۳) شناخته شدن و کسب هویت سیاسی در داخل و خارج.

۴-۲-۱. تولید آرمان سیاسی و علت وجودی در راستای ایجاد وحدت و همبستگی ملی

یکی از چالش‌های عربستان، ضعف این کشور در زمینه علت وجودی و آرمان سیاسی برای شکل‌گیری یک کشور ملت^۱ است تا جایی که در سال‌های اخیر برخی از نهادهای امنیتی غربی با در نظر گرفتن همین امر، موضوع تجزیه عربستان به چند کشور را مطرح کرده‌اند، از این رو، آل سعود برای حل بحران درونی ناشی از عدم شکل‌گیری دولت - ملت و همچنین برای واپایش (کنترل) بحران داخلی، نیاز به بحران‌سازی خارجی دارد. (ملکی، ۱۳۹۴: ۲۱)

۴-۲-۲. تبلیغ پایداری و مقابله سیاسی در برابر ج.ا.ایران در راستای مطرح‌شدن در منطقه و

جهان عرب

عربستان سعودی با تصویرسازی منفی از ایران به‌عنوان مهم‌ترین تهدید علیه جهان عرب، در تلاش است خود را رهبر جهان عرب و در خط مقدم مقابله منطقه‌ای با ج.ا.ایران معرفی کند. این کشور در تلاش است تا خود را نقطه کانونی اتحاد جدید کشورهای عرب سنی مذهب در برابر نفوذ منطقه‌ای ج.ا.ایران نشان دهد. (Takeyh, 2015: 3) این کشور همچنین برای نشان دادن پدرخواندگی خود بر اعراب حاشیه جنوبی خلیج فارس، با بهانه‌های مختلف، همواره از ادعاهای امارات متحده عربی در مورد جزایر ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک حمایت کرده است. (متقی، ۱۳۹۴: ۱۵۴)

۴-۳. شناخته شدن و کسب هویت سیاسی در داخل

سیاستمداران سعودی به دنبال پیگیری سیاست «هویت‌سازی» با هدف «شناسایی» و انباشت قدرت، بهبود توانمندی و کارآمد نشان دادن نظام سیاسی این کشور می‌باشند. (آقاحسینی و مهدیان، ۱۳۹۴: ۶۸) آنها با تکرار ادعای «تهدید بودن ایران شیعه برای

جوامع عربی - سنی» و «در پیش گرفتن سیاست تهاجمی در برابر ج.ا.ایران» به نوعی در راستای شناخته شدن و کسب هویت سیاسی در داخل این کشور هستند.

۴-۴. شناخته شدن و کسب هویت سیاسی در خارج

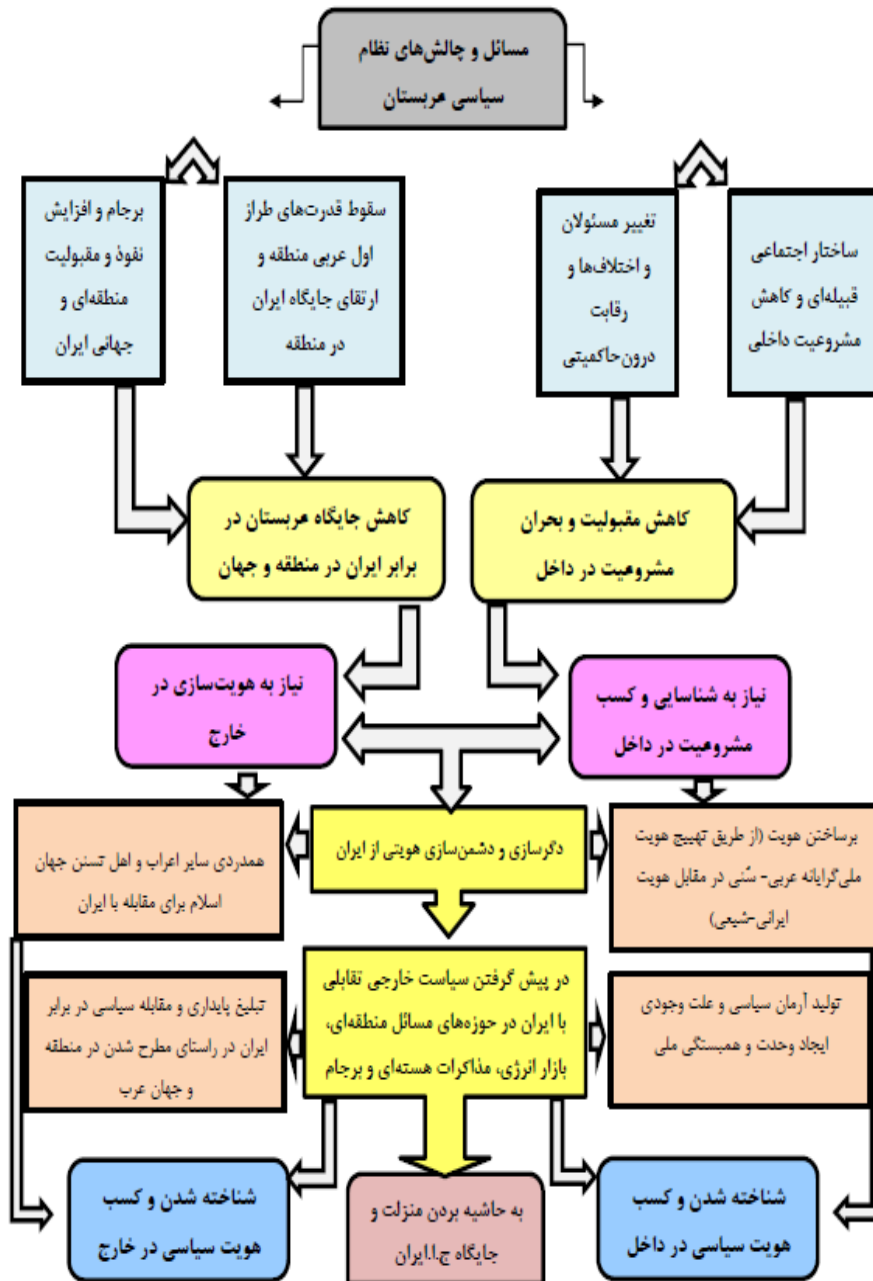
ج.ا.ایران و عربستان به عنوان دو کشور هویتی و اثرگذار منطقه، همواره در راستای گسترش نفوذ خود در منطقه، دچار تعارض‌هایی در عرصه سیاست خارجی شده‌اند. راهنمای هر دو کشور در تقابل با یکدیگر، عوامل هویتی می‌باشد (عطایی و منصوری مقدم، ۱۳۹۲: ۱۴۲)، به همین سبب، هویتی که دو کشور ایران و عربستان برای خود تعریف می‌کنند (یکی به عنوان نماینده جهان تشیع با هویتی ایرانی و دیگری رهبری جهان تسنن با هویتی عربی)، سبب گردیده دو کشور رقابت‌های خود را بر این اساس سازماندهی نمایند.

در راستای همین هویت و اهداف و منافع منبعث از آن، تلاش عربستان برای رهبری جهان عرب پس از سقوط رژیم بعث عراق، مصر و جنگ داخلی در سوریه، دوچندان گردیده است. (ایرانی، ۱۳۹۴: ۵) عربستان سعودی در صدد نشان دادن ظرفیت خود را برای رهبری بر شورای همکاری خلیج فارس و اتحادیه عرب در جنگ سرد منطقه‌ای این کشور علیه ج.ا.ایران است؛ از این رو، ورود عربستان به جنگ‌های نیابتی علیه هم‌پیمانان منطقه‌ای ایران، در راستای نشان دادن توانایی و قاطعیت این کشور برای دفاع از منافع خود و هم‌پیمانانش در منطقه غرب آسیا، حتی با استفاده از نیروهای مسلح خود است. (Takeyh, 2015: 4)

جدول شماره (۵) دیدگاه نمونه آماری در مورد هدف عربستان از اتخاذ سیاست خارجی ستیزه‌جویانه در برابر ج.ا.ایران

| میانگین | دیدگاه نمونه آماری نسبت به گویه‌ها | | | | | گویه‌های پرسشنامه | ردیف |
|-----------|------------------------------------|-----|-------|------|-----------|-------------------|---|
| | درجه‌های ارزیابی | | | | | | |
| | خیلی کم | کم | متوسط | زیاد | خیلی زیاد | | |
| ۲۲/۹ درصد | ۳ | ۴ | ۹ | ۱۵ | ۱۴ | فراوانی | ۱ در پیش گرفتن سیاست خارجی ستیزه‌جویانه عربستان علیه ایران در راستای تولید آرمان سیاسی و علت وجودی ایجاد وحدت و همبستگی است. |
| | ۶/۷ | ۸/۹ | ۲۰ | ۳۳/۳ | ۳۱/۱ | درصد | |
| ۲۶ درصد | ۱ | ۱ | ۵ | ۱۸ | ۲۰ | فراوانی | ۲ در پیش گرفتن سیاست خارجی ستیزه‌جویانه عربستان علیه ایران در راستای در راستای تبلیغ پایداری و مقابله سیاسی عربستان در برابر ایران و مطرح‌شدن این کشور در منطقه و جهان عرب است. |
| | ۲/۲ | ۲/۲ | ۱۱/۱ | ۴۰ | ۴۴/۵ | درصد | |
| ۲۳/۸ درصد | ۲ | ۴ | ۸ | ۱۵ | ۱۶ | فراوانی | ۳ در پیش گرفتن سیاست خارجی ستیزه‌جویانه عربستان علیه ایران در راستای شناخته شدن و کسب هویت سیاسی حاکمان جدید سعودی در داخل این کشور است. |
| | ۴/۴ | ۸/۹ | ۱۷/۸ | ۳۳/۳ | ۳۵/۶ | درصد | |
| ۲۷/۳ درصد | ۱ | ۱ | ۳ | ۱۹ | ۲۱ | فراوانی | ۴ در پیش گرفتن سیاست خارجی ستیزه‌جویانه عربستان علیه ایران در راستای شناخته شدن جایگاه عربستان و کسب هویت سیاسی در منطقه و جهان اسلام (به‌عنوان کشور با نفوذ و اثرگذار منطقه و رهبر جهان عرب) و به حاشیه کشاندن ایران است. |
| | ۲/۲ | ۲/۲ | ۶/۷ | ۴۲/۲ | ۴۶/۷ | درصد | |

شکل شماره (۱) علت و اهداف عربستان برای اتخاذ رویکرد سیاست خارجی ستیزه‌جویانه در برابر ج.ا.ایران



۵. نتیجه گیری

۵-۱. جمع بندی

موضوع این پژوهش، تبیین نظری سیاست خارجی ستیزه جویانه عربستان سعودی در مقابل ج.ا.ایران از دیدگاه سازه‌انگاری بود. در پاسخ به پرسش تحقیق که «مجموعه حاکمیت عربستان سعودی چه هدفی را از در پیش گرفتن رویکرد ستیزه جویانه در مقابل ج.ا.ایران دنبال می کند؟» باید گفت اتخاذ سیاست خارجی ستیزه جویانه عربستان در برابر ج.ا.ایران، در راستای ایجاد نوعی فضای بین‌الذهانی در داخل و خارج این کشور برای ساختن هویت مورد نیاز برای مشروعیت سیاسی در داخل و شناسایی جایگاه این کشور در خارج (رهبری جهان عرب و قدرت اثرگذار منطقه) برای کسب منافع از طریق به حاشیه کشاندن منزلت و جایگاه ایران در منطقه و جهان اسلام می باشد.

بر اساس یافته‌های تحقیق، رژیم سعودی به دلیل ساختار ویژه اجتماعی سنتی قبیله‌ای - مذهبی (وهابیت) با مطالبه‌های تند مذهبی و به موازات آن، افزایش قشر تحصیل کرده (خارج رفته) با مطالبه‌های مدنی، همزمان با تغییر مسئولان و اختلاف‌ها و رقابت درون حاکمیتی ناشی از آن، با احساس تهدید ناشی از کاهش مشروعیت و مقبولیت داخلی روبه‌رو است. این کشور در عرصه خارجی نیز با سقوط قدرت‌های طراز اول عربی منطقه و ارتقای جایگاه ج.ا.ایران در منطقه روبه‌رو گردیده است.

مسئولان سعودی در راستای شناخته شدن و کسب هویت سیاسی در داخل و خارج، اقدام به دگرسازی و دشمن سازی هویتی از ج.ا.ایران نموده‌اند. حاکمان سعودی این امر را با هدف برساختن هویت از طریق تهییج هویت ملی گرایانه عربی - سنی در برابر هویت ایرانی - شیعی و همدردی سایر اعراب و اهل تسنن جهان اسلام برای مقابله با ج.ا.ایران پیگیری کرده‌اند. گام اصلی عربستان، در پیش گرفتن سیاست خارجی

ستیزه‌جویانه در برابر ج.ا.ایران (به‌عنوان دگر و دشمن هویتی) در حوزه‌های مسائل منطقه‌ای، بازار انرژی، مذاکرات هسته‌ای و ... است.

۲-۵. پیشنهادها

(۱) ج.ا.ایران باید در عرصه بین‌المللی تلاش خود را معطوف این امر نماید که ایدئولوژی شیعی ارائه‌دهنده قرائتی از اسلام است که ضمن تأکید بر عدالت و ظلم‌ستیزی و انسان‌دوستی، احترام گذاشتن به تفاوت‌های دینی و هویتی را ترویج می‌نماید و ابعاد عدالت‌خواهانه و برابری‌جویانه آن با هنجارهای بین‌المللی همپوشانی و مطابقت بیشتری در مقایسه با دیگر ایدئولوژی‌های تولیدشده در منطقه دارد.

(۲) از نگاه عربستان، توافق هسته‌ای ایران با ۵+۱ و همکاری و تعامل بیشتر ایران در سطح بین‌المللی و افزایش مراودات سیاسی، اقتصادی و ... آن با نظام بین‌الملل، به افزایش منزلت و جایگاه ایران در منطقه و جهان و در مقابل، کاهش اهمیت و جایگاه این کشور (عربستان) منتهی خواهد شد؛ از این‌رو، مقام‌های آل سعود، همان‌گونه که در حین مذاکره‌های هسته‌ای تلاش زیادی برای جلوگیری از شکل‌گیری توافق بین ایران و ۵+۱ به خرج دادند، در آینده نیز با همسویی رژیم صهیونیستی، در راستای به شکست کشاندن و یا حداقل ایجاد مشکل برای اجرای توافق هسته‌ای، از هیچ تلاشی دریغ نخواهند کرد؛ بنابراین برای جلوگیری از کارشکنی‌های محور عربستان - رژیم صهیونیستی، نیاز است تعامل عزتمندانه ج.ا.ایران با اعضای اروپایی ۵+۱، چین، روسیه و سایر کشورهای مؤثر در نظام بین‌الملل تداوم پیدا کند؛ در واقع، در کنار تحول در نظم منطقه‌ای که فرصت تحرک بیشتری را به ایران داده، توافق هسته‌ای فضای فعالیت بیشتری برای ج.ا.ایران فراهم آورده و اهداف ژئوپلیتیکی آن به‌واسطه کمک به ثبات منطقه‌ای و بهره‌مندی از خردگرایی و هنجارهای جهان‌شمول، امکان تحقق بیشتری یافته‌اند. بدون تردید، تقویت قدرت ایران و افزایش امکانات و ابزارهای آن، در رسیدن

به اهداف ژئوپلیتیکی مطلوب، تأثیری جدی داشته، اما هم‌پوشانی آن با منافع مطلوب نظام بین‌المللی، این بار باعث شده تا قدرت‌افکنی ایران در جهان نه به شکل تهدید، بلکه به‌عنوان امری مثبت و حتی مطلوب در نظر گرفته شود.

(۳) کمک ج.ا.ایران به شکل‌گیری نظام‌های دموکراتیک در منطقه با توجه به پادشاهی مطلقه و غیرمردمی بودن نظام سیاسی عربستان، مشروعیت داخلی نظام سیاسی آل‌سعود را پایین آورده و افزایش نارضایتی مردم از نظام پادشاهی آل‌سعود را در پی خواهد داشت.

(۴) افزایش تلاش و مشارکت ج.ا.ایران در نظام بین‌المللی برای حل بحران‌های منطقه از قبیل سوریه، یمن و ...، با توجه به نقش مخرب عربستان در ناآرامی‌های منطقه، در بهبود وجهه و جایگاه ج.ا.ایران در منطقه و جهان مؤثر خواهد بود.

(۵) عربستان سعودی در سال‌های اخیر تلاش زیادی نموده که از ج.ا.ایران و سیاست‌های منطقه‌ای آن، برای کشورهای مسلمان منطقه و سایر کشورهای جهان اسلام، دگر هویتی ایجاد نماید. در این مورد و برای بی‌اثر کردن این سیاست عربستان، نیاز است ج.ا.ایران ارتباط و تعامل مؤثر خود با کشورهای مؤثر جهان اسلام (از جمله کشورهای سنی مذهب مصر، ترکیه، پاکستان، مالزی و اندونزی) را افزایش دهد.

فهرست منابع

۱. منابع فارسی

۱. آقاحسینی، علیرضا و حسین مهدیان، (تابستان ۱۳۹۴)، تحلیل کانستراکتیویستی ادعاهای امارات متحده عربی در مورد جزایر سه‌گانه ایرانی، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، دوره ۱۱، شماره ۲.
۲. اکبری، علیرضا، (۱۴ دی ماه ۱۳۹۴)، خطاهای راهبردی عربستان در ایجاد وضعیت بحرانی، قابل دستیابی در: *وبگاه دیپلماسی ایرانی*.
۳. ایرانی، محمد، (دی‌ماه ۱۳۹۴)، رویکردهای جدید رژیم صهیونیستی در جبهه عربی، ارائه‌شده در: *همایش تحلیل کشمگری رژیم صهیونیستی در محیط راهبردی ج.ا.ایران*، تهران، مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی.
۴. بن‌میر، آلن، (اسفندماه ۱۳۹۴)، بهبود روابط تهران - ریاض؛ سخت اما ممکن، *مجله بین‌الملل مهر*، شماره ۱۲.
۵. بیمن، ویلیام، (اسفندماه ۱۳۹۴)، ایجاد ناتوی خاورمیانه‌ای غرب در خلیج فارس، *مجله بین‌الملل مهر*، شماره ۱۲.
۶. بیلار، پل، (اسفندماه ۱۳۹۴)، رضایت آمریکا برای ایفای نقش فعال‌تر ترکیه در منطقه خاورمیانه، *مجله بین‌الملل مهر*، شماره ۱۲.
۷. چیرسون، رونالرال، الکساندر ونت و پیتر کاتزنشتاین، (۱۳۹۰)، *هنجارها، هویت و فرهنگ در امنیت ملی*، در: پیتر کاتزنشتاین، *فرهنگ امنیت ملی: هنجارها و هویت در سیاست جهانی*، ترجمه هادی سمی، جلد اول، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۸. جوادی‌ارجمندی، محمدجعفر، (۱۳۹۲)، رابطه هویت و منافع در سیاست خارجی ج.ا.ایران با تأکید بر رویکرد سازه‌انگاری، *فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی دانشگاه آزاد اسلامی شهرضا*، شماره پانزدهم.
۹. رستمی، فرزاد و محمدجواد طباطبائی‌ممقانی، (۱۳۹۰)، بررسی الگوی امنیتی منطقه خلیج فارس؛ پیشنهادها و راهکارها، *فصلنامه خلیج فارس و امنیت*، سال دوازدهم، شماره ۱۱۸.
۱۰. ساعی، احمد و مهدی علیخانی، (۱۳۹۲)، بررسی چرخه تعارض در روابط ج.ا.ایران و عربستان سعودی، *فصلنامه علوم سیاسی*، سال نهم، شماره ۲۲.
۱۱. عبدا...خانی، علی، (۱۳۸۳)، *نظریه‌های امنیت: مقدمه‌ای بر طرح‌ریزی دکترین امنیت ملی (۱)*، تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
۱۲. عربستان ۱۶ راکتور هسته‌ای می‌سازد، (۱۳۹۴/۶/۱۶)، قابل دسترسی در: www.fararu.com
۱۳. عطایی، فرهاد و محمد منصوری‌مقدم، (۱۳۹۲)، تبارشناسی سیاست خارجی عربستان سعودی: راهبردی واقع‌گرایانه بر بستری هویتی، *فصلنامه روابط خارجی*، سال پنجم.

۱۴. علایی، حسین، (۱۳۹۱)، «پروژه تغییر در عربستان، قابل دستیابی در: *وبگاه خبرآنلاین*، ۲۶ تیرماه ۱۳۹۱.
۱۵. علیخانی، مهدی، (۱۳۹۴)، چرخه تعارض در روابط ایران و عربستان، قابل دسترسی در: *وبگاه خبری - تحلیلی انتخاب*، ۱۶ دیماه.
۱۶. فرجی‌راد، عبدالرضا، (۱۳۹۴)، عصبانیت سعودی از نقش منطقه‌ای ایران، *مجله بین‌الملل مهر*، شماره ۱۲.
۱۷. قنادباشی، جعفر، (۱۳۹۳)، رژیم سلطنتی عربستان و بحران توزیع، قابل دستیابی در: *وبگاه برهان*.
۱۸. قوام، عبدالعلی، (۱۳۹۱)، *سیاست‌شناسی: مبانی علم سیاست*، تهران، سمت.
۱۹. متقی، افشین، (۱۳۹۴)، واکاوی زمینه‌های ناسازواری در روابط ایران و عربستان بر پایه نظریه سازه‌انگاری، *فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست*، شماره ۴۲.
۲۰. مرادی، روح‌ا...، (۱۳۹۳)، *بررسی مقایسه‌ای سیاست خارجی و منافع ملی ایران و عربستان در عراق*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی.
۲۱. مشیرزاده، حمیرا، (۱۳۹۰)، *تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل*، تهران، سمت.
۲۲. ملکی، صادق، (اسفندماه ۱۳۹۴)، راهبرد شکست فرقه‌گرایانه سعودی، *مجله بین‌الملل مهر*، شماره ۱۲.
۲۳. مهرعطا، رضا، (۱۳۹۵)، ایران و عربستان سعودی رویکرد تخصصی - تعاملی، در: *مجموعه مقالات همایش تحولات ژئوپلیتیک غرب آسیا با تأکید بر امنیت منطقه‌ای*، تهران، مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی.
۲۴. نصری، قدیر، (۱۳۸۵)، فهم کانستراکتیویستی امر سیاسی، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال نهم، شماره چهارم.
۲۵. هرمان، رابرت، (۱۳۹۰)، هویت، هنجارها و امنیت ملی؛ انقلاب در سیاست خارجی شوروی و پایان جنگ سرد، در: پیتر کاتزنشتاین، *فرهنگ امنیت ملی: هنجارها و هویت در سیاست جهانی*، ترجمه هادی سمتی، جلد دوم، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.

۲. منابع انگلیسی

1. Abdel Latif, Omayma (2002), Nasser and Brotherhood, Al-Ahram Weekly Online, June 27- July 3, available at: www.weekly.ahram.org.eg
2. Al-Bukairi, Nabil (10 April, 2010), Historic Relations between Muslim Brotherhood and Iran, Available at: www.yemenpost.net
3. Aneja, Atul (2014), Saudi Arabia-Iran Cold War after the Arab Spring: Implications for Gulf-India Ties, Gulf Research Center, available at: www.grc.net.
4. Henderson, Simon (10 January 2013), To Stop Iran, Get a New Saudi King, The Atlantic, available at: www.theatlantic.com
5. Obaid, Nawaf (16 May 2011), Amid the Arab Spring, a U.S.-Saudi Split, Washington Post, available at: www.washingtonpost.com
6. Smith, Anthony D (2011), *Nationalism*, London, Polity Press.
7. Takeyh, Ray (17 April 2015), The New Saudi Foreign Policy, available at: www.cfr.org